

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۲ - ص ۷۴-۹۴
تحلیل سیاست کیفری ایران با تکیه بر فقه شیعه

لیدا صمدیان^۱

صادق مرادی^۲

امیر سماواتی پیروز^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی «پلان تحلیل سیاست کیفری ایران با تکیه بر فقه شیعه» می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات توسعه‌ای، از لحاظ گردآوری داده‌ها جزء تحقیقات نظری و از حیث روش‌شناسی اجرای کار توصیفی-تحلیلی است. ابزار تحقیق یادداشت برداری و فیش برداری از متون مختلف اعم از کتب فقهی حقوقی و آرشیو نشریات و مجلات، کنفرانس‌های حقوقی می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است مهم‌ترین نقص وارد در باب تعزیرات منصوص شرعی که قانونگذار نتوانسته است بدان پاسخی جامع دهد، این است که قانونگذار با شناسایی برخی موارد جرائم منصوص شرعی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ در عمل تعیین ننموده است که در این موارد قاضی دارای چه اختیار یا محدودیتی است. نتایج تحقیق نشان داد مقنن با آوردن شروط فقدان سابقه کیفری موثر و پیش‌بینی اصلاح مرتکب در ماده ۴۰ برای برخورداری متهم از نهادهای ارفاقی تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات بار دیگر رویکرد امنیتی خود را در قبال نهادهای تعدیل‌کننده مجازات نشان داده است و شرط بهره‌مندی متهم از این نهادها را فقدان حالت خطرناک متهم دانسته است.

کلمات کلیدی: سیاست کیفری، سیاست جنایی، فقه امامیه، تحلیل قوانین.

۱. دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، استان البرز، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، نویسنده

مسئول، lidasamadiyan@gmail.com

۲. دکتری «حقوق» گرایش «فقه و حقوق»، استادیار دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران، sadeghmoradi.law@gmail.com

۳. دکتری «حقوق جزا و جرم‌شناسی»، دانشگاه شهید بهشتی، استادیار گروه «حقوق جزا و جرم‌شناسی»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

کرج، استان البرز، ایران، amir.samavati@kia.ac.ir

مقدمه

فقه‌های امامیه عقل را یکی دلایل چهارگانه فقه در فهم متون و استخراج احکام می‌دانند. گرایش اصولی، به معنی توسل به برهان و تحلیل، منطقی همواره و به ویژه بعد از غیبت کبری سال ۳۳۰ (قمری وجود داشته است لکن در مقایسه با اندیشه، اخباری در حاشیه و کناره بوده است. اخباری‌گری یک گرایش فقهی در بین علماء شیعه است که در مقابل مکتب اصولی یا اجتهادی به کار می‌رود. اخباریون در فرایند استنباط احکام شرع برای عقل جایگاهی قایل نبوده یا جایگاه کمی قایل هستند صرفاً به کار کرد غیراستقلالی عقل معتقدند از دیدگاه آن‌ها اجتهاد بدعت در دین است! غلبه اصولیون بر فقه شیعی مرهون انقلابی است که توسط وحید بهبهانی در نیمه دوم قرن دوازدهم قمری صورت گرفت و به دو قرن حکومت مسلک اخباری بر فقه شیعی خاتمه داد. امروزه نیز اخباری‌گری یک جریان مرده نبوده و رگه‌هایی از این طرز تفکر حتی در بین اصولیون بزرگ قابل مشاهده است، به نحوی که به جرأت می‌توان ادعا نمود فقیه اصولی خالص وجود ندارد. ضرورت پرداخت دیه از اعیان شش گانه اصرار بر عدم برابری دیه مسلمان و غیر، مسلمان اصرار بر بالغ شدن دختر نه ساله، اصرار بر اجرای شلاق به عنوان تعزیر شرعی اعتقاد به خلاف شرع بودن تعدد قضاوت و تجدیدنظر از احکام اعتقاد به خلاف شرع بودن نهاد دادسرا اصرار بر اجرای احکام قطع و رجم و اجرای علنی، حدود اعتقاد به تنصیف دیه زن زمانی که از ثلث بگذرد و جانی مرد باشد و مواردی از این دست را می‌توان نمونه‌هایی از پایبندی تاریخی فقه‌های معاصر به نص روایات (نقل) دانست. بناء عقلاء، عرف عام متفق علیه بین العقلاء و عباراتی نظیر آن در لسان فقه‌های امامیه به کرات استعمال شده است آنچه مشخص است عرف عام و بناء عقلاء ریشه در فرایند تعقل دارد و از آنجا که بازگشت آن‌ها به عقل، است در این مجال آن‌ها را مترادف و در یک معنی استعمال نموده ایم. مطابق یک تعریف بناء عقلاء عبارت است از استمرار عمل و روش عمومی عقلا باهم، عقلا در محاورات، معاملات و سایر و هنجارهای اجتماعی که بدون توجه به دین مناسبات فرهنگ یا ملیت خاصی در طول زمان شکل می‌گیرد.^۱

هرچند در بدو امر عقلانیت مفهومی یک پارچه به نظر می‌رسد، لکن محققان و تحلیلگران ساخت‌های مختلفی برای عقلانیت بیان نموده‌اند که ارتباط متقابلی بین همه آن‌ها وجود دارد برای عقلانیت سه بعد قانونی، سیاسی و علمی می‌توان متصور شد مقرره‌های از عقلانیت قانونی برخوردار است که با اتکاء به و قانون اساسی و با لحاظ دیگر اسناد فرادستی مانند اسناد کنوانسیون‌های بین‌المللی تدوین و تصویب گردد. در این عقلانیت برابری در پیشگاه قانون موضوعی بنیادی است و ادعای حکومت‌ها در مورد منع تبعیض و تحقق برابری را توجیه می‌کند این بعد از عقلانیت موجد امنیت حقوقی است و مردم را از اقدامات خودسرانه محافظت می‌کند عقلانیت مبتنی بر علوم مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اقتصادی، ریاضی و غیره عقلانیت علمی است. در عقلانیت سیاسی نیز به یکپارچگی جامعه و پایداری آن توجه می‌شود.^۲

۱. مارتی، میری دلماس (۱۳۷۶) از حقوق جزا تا سیاست جنایی برگردان دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، نامه مفید، شماره ۲۲، ص ۶.

۲. گسن، ریموند؛ (۲۰۱۹)، بحران سیاست جنایی کشورهای غربی؛ ترجمه دکتر علی حسین ابرند آبادی مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰.

۳. انصاری، محمد و طاهری محمد علی (۱۳۹۹) دانشنامه حقوق خصوصی، جلد سوم، تهران، انتشارات جنگل

۱. مبانی نظری

مصلحت را مترادف با منفعت به معنی خیر و صلاحی که در امور نهفته است، عمید، ذیل واژه و به هنگام انتخاب بین دو یا چند چیز ملاک رجحان قرار می‌گیرد تعریف نموده‌اند. هرچند مصلحت منبع مستقلی جهت استنباط احکام در فقه امامیه نیست لکن همواره بر تمامی ادوار و ابواب فقه سایه سنگینی داشته‌است، استصلاح نتیجه خردورزی است فرایندی که متعاقب کاربست عقل صورت می‌گیرد و توجه به آن بنابر عقل سلیم و بناء عقلا ضروری است. مصلحت را آبر اصل حاکم بر نظام قانونگذاری اسلامی لقب داده‌اند که در پرتو آن پویایی و پایایی فقه از طریق توجه به شرایط و مقتضیات زمان و مکان حاصل می‌گردد. مقتضای پذیرش عقل عملی در فقه امامیه عطف توجه خاص به مصلحت بوده و قواعد مسلم فقهی لاضرر و لاجرح، ضرورت مقدم دانستن مهم بر غیرمهم و یا ضرورت ترجیح اهم بر مهم، نمونه‌هایی از کاربست قدیمی استصلاح در فقه امامیه است. مصلحت ابزار منعطف کننده شریعت در برابر نیازهای فزاینده اجتماعی است. مصلحت ناظر به خیر و صلاح دنیوی و عقبی است احکام شرعی بنابر مصالح و مفاسدی تشریح گردیده و واجد مصلحت پیشینی است. موضوع تراحم احکام و یا تبدیل و بلا موضوع شدن برخی از آن‌ها احکام ثانویه حکم حکومتی و نظایر این موضوعات به نوعی ریشه در مصلحت سنجی فقه امامیه دارد. هرگاه بر اجرای حکمی از احکام ثابت اسلام مفسدهای مترتب گردد همانند اجرای احکام قطع دست و رجم، ناگزیر باید به تحول حکم آن معتقد بود عمده ایراداتی که پیرامون اجرای عقوبات شرعی در دنیای معاصر با آن مواجهیم در پرتو توجه به عنصر مصلحت قابل رفع است.^۱ و علاوه بر ظرفیت، عقل توجه خاص به نصوص عام قرآنی روایی قاعده، ساز رصد تجسد عقل در قالب، عرف بنای عقلا و استصلاح توجه به نصوص مبین مقاصد، نظام وار دیدن شریعت و توجه خاص به ساز و کار اصول عملیه از دیگر ظرفیت‌های فقه امامیه است. در اندیشه سیاسی امام خمینی حفظ نظام اوجب واجبات بوده و دستور تاریخی ایشان در سال ۱۳۶۷ برای تشکیل مجمع تشخیص نظام به منظور تعیین تکلیف تعطیلی موقت احکام ثابت شرعی بر مبنای ضرورت‌های زمان و مکان نقطه عطفی در خصوص نهادینه کردن جایگاه و نقش مصلحت در فقه امامی است.

مقتضای رعایت عنصر مصلحت آن است که مسئله تورم کیفری را همچون مفسده‌ای مورد توجه قرار دهیم قلمداد کردن همه گناهان به پدیده تورم کیفری می‌انجامد که از جنبه‌های گوناگون زیانبار است.^۲ شارع مقدس اسلام در کنار توجه به کیفر دادن بزهکاران پیوسته بر حفظ حرمت و عرض و آبروی افراد نیز تأکید نموده است دیدگاه مشهور فقهای امامیه بیانگر این است که بسیاری از آنان مجازات را دائرمدار مصلحت شخص می‌دانند؛ به گونه‌های که برخی حتی مصلحت را بر خود گناه مقدم دانسته و معتقدند که تعزیر بیش از آنکه دائر مدار گناه، باشد تابع مصلحت است. قرآن کریم منزلت و جایگاه رفیعی را برای انسان قائل شده است نتیجه منطقی چنین شأن و منزلتی این است که آزار و اذیت کردن دیگران به نوعی تعدی به شان انسان قلمداد می‌گردد و حرام می‌باشد. یکی از مهمترین آیات قرآن در این رابطه آیه ۵۸ سوره احزاب است در این آیه خداوند می‌فرماید: «والذین یؤذون المومنین و المومنات بغير ما اکتسبوا فقد اکتملو بهتاناً و اثمأً مبیناً». و

۱. الوانی مهدی و شریف زاده، فتاح، (۱۴۰۰)، فرآیند خط مشی گذاری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۹۰.

۲. لازرژ کریستین؛ (۲۰۱۸)، سیاست جنایی؛ ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی انتشارات یلدا، چاپ اول، ص ۳۲.

آنان که مردان و زنان با ایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می‌دهند بار بهتان و گناه را به دوش کشیده‌اند علاوه بر قرآن کریم، سنت معصومین (ع) نیز بر تحریم تعذیب انسان‌ها دلالت دارد در حدیثی از امام علی (ع) نقل شده است که فرمودند: «من کسی را به صرف اتهام دستگیر نمی‌کنم و به دلیل ظن و گمان کسی را مجازات نخواهم کرد!»

۱-۱. بزه پوشی

اصل بزه پوشی کیفری یکی از بنیادی‌ترین اصول در حوزه حقوق کیفری است التزام به این اصل موجبات استفاده مطلوب از حقوق جزا را در جایگاه مناسب فراهم می‌سازد بدون تردید اعمال این اصل در فرایند کیفرزدایی جامعه را با تورم کیفری مواجه نخواهد ساخت و افزون بر این بستر تحقق عدالت کیفری هموارتر خواهد شد آیات شریفه متعددی از قرآن کریم مانند نساء ۸۵؛ حجرات: ۹؛ غافر ۴ انعام: ۱۶۰. بیانگر پذیرش اصل بزه پوشی کیفری هستند؛ چرا که لزوماً نگاه به اصل عدالت باید همراه با اصول دیگری چون رحمت و مدارا و تسهیل در امور باشد. علامه حلی در ارشاد الاذهان عبارتی دارند بدین مضمون ولو استخدم الحر ضمن اجرت و لایضمن بدون و ان کان «صانعا یعنی چنانچه اگر انسانی که زندانی شده او را به کار گماشت ضامن مزد اوست و بدون بکارگیری او ضمانتی نیست حتی اگر آن زندانی صنعت گر باشد. مرحوم مقدس اردبیلی در ذیل آن عبارت گفته است و شاید فقها در این مسله اختلافی نداشته باشند، اگرچه برای گرفتن اجرت در صورت منع صنعت گری که اگر زندان نمی‌شد و از کارش باز نمی‌داشتند، هر آئینه برای او درآمدی آنچنانی بود وجهی است و این بدان جهت است که جلوی مفسدهها و ضررهای بزرگ گرفته شود. پس چه بسا آن شخص زندانی و عیاله اش به خاطر این اجحاف از گرسنگی تلف و از بین بروند و بر آن بازداشت کننده مانعی از اقدامش نباشد با آنکه او در این اقدام ظالم و ستمگر است و وجود دلیلی که جواز تعدی را در برابر تعدی و مجازات بدی را بدی قرار داده است خود نشان‌های بر این مدعا است که استفاده حداکثری و بی‌رویه از مجازات‌های حبس صدمات زیادی بر فرد و اجتماع وارد می‌گردد.»

این قاعده موجب شده است تا از طرفی با پیدایش کمترین سبب کیفر ساقط گردد و از طرف دیگر به منظور اجرای مجازات قویترین دلایل و اسباب ضرورت یابد وجود شرایط سخت در جریان اثبات جرائم و نیز وجود موانع مختلف در اجرای عقوبت و پیشبینی فرصت‌های متعددی که کیفرزدایی را ممکن می‌سازد، اجرای محدود و نادر مجازات حد رجم و قطع ید در ممالک اسلامی متأثر از این سیاست جنایی خاص است و هرگز نباید آن را ناشی از عدم وقوع جرم در سرزمین‌های پهناور اسلامی قلمداد کرد. به رغم اهتمام زیاد که شارع مقدس برای اجرای حدود قائل شده و تعجیل در اقامه حدود را پس از ادای شهادت واجب دانسته‌اند، فقها به روایات عدیده در موارد بسیاری به تعلیق یا تخفیف و یا سقوط مجازات حکم داده‌اند؛ به عنوان مثال، می‌توان به تأخیر در اجرای حد برای مجرم باردار یا بیمار، و همچنین پناه بردن مجرم به حرم، گرم و سرد بودن هوا مستحاضه بودن زن و عدم اجرای حد در مواردی از قبیل سرزمین دشمن حد در مورد اهل کتاب، اضطرار،

۱. الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۲) درآمدی بر حقوق جزای عمومی، نشر میزان، ص ۳۶.

۲. فرجی‌ها محمد (۲۰۱۶)، نقش قوه قضائیه در پیشگیری جرم؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد گزارش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ص ۹۳.

عفو مجرمان در زمان جنگ عفو زنان بی، شوهر حد در سال قطعی و تغییر کیفیت اجرای حد در فرد بیمار که مصلحت تعجیل حد بر اوست اشاره نمود، همگی در راستای این مهم است که بنای شارع مقدس در اجرای مجازات و کیفر مبتنی بر این است که تا حد امکان مجازات تقلیل یابد. از سوی دیگر شارع مقدس در اثبات برخی جرائم و تحمل کیفر، مجرم نهایت سختگیری را لحاظ کرده است. نظیر چهار شاهد مرد برای اثبات پاره‌ای از جرایم منافی عفت از قبیل، زنا لواط و مساحقه محقق اردبیلی، بیتا (۳۵) قرآن کریم به عنوان مهمترین منبع حقوق جزای اسلام جرم انگاری را در راستای حمایت ارزش‌های انسانی و مصالح اساسی فرد و جامعه قلمداد نموده است که از مطابقت آن با عقلانیت و همسویی با حقوق بشر حکایت دارد. با دقت در آیات قرآن کریم معلوم می‌شود که در این کتاب آسمانی در پنج حوزه اشخاص، اموال و امنیت دین، و نسل ضروریات خمسه به جرم انگاری پرداخته شده ولی برای سایر رفتارهای ناهنجار، راهکارهای تربیتی و اخلاقی توصیه گردیده است. کشف و آشکار شدن جرم آثار سوء زیادی را متوجه جامعه کند، با گسترش اخبار مربوط به ارتکاب جرم حساسیت عمومی نسبت به آن کم شده و ارتکاب آن عادی جلوه خواهد کرد. این حالت یعنی کاهش زشتی جرم و وحشتناک‌ترین پدیده‌های است که می‌تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید ان الذین یحبون ان الذین یفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره والله یعلم و انتم لا تعلمون» (سوره نور آیه، ۱۹). کسانی که دوست دارند کار زشت در میان مؤمنان شایع، شود برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و این را خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. بدین سان نهان سازی جرم به ویژه جلوگیری از افشای جرایم منافی عفت و زشتیها مورد تاکید آموزه‌های دینی است.^۱

۱-۲. قاعده درأ

یکی از مصادیق کیفرزدایی در حقوق کیفری، اسلام قاعده در است پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «درتوا الحدود بالشبهات» یعنی کیفر را به مجرد حدوث شبهه دفع کنید تا آنجا که می‌توانید حدود را بر مسلمانان اجرا نکنید و اگر محملی برای رهایی آنان یافتید ایشان را رها کنید زیرا اگر امام در عفو خطا کند بسیار بهتر از آن است که در مجازات اشتباه کند روایتی از معصوم نقل شده است که الامور ثلثه امر بین رشده فاتح و امر بین غیه فاجتنبوا و امر اختلف فردوه الی... عزوجل» یعنی امور بر سه گونه است امری که حقانیت آن هویدا است پس از آن پیروی کن امری که باطل بودن آن آشکار است پس از آن اجتناب نما و امری که در آن اختلاف آن را به سوی خداوند عزوجل رد کن. پس «ادفعوا الحدود ما وجدتم له مدفعا». یعنی حدود را دفع کنید هنگامی که گریزگاهی برای آن بیابید. و در جای دیگر چنین نقل شده است که «ادرتوا الحدود والقتل عن عبادا... ما استطعتم یعنی تا آنجا که می‌توانید حدود و قتل را از بندگان خدای بزدانید. مطلوبیت کیفرزدایی بویژه در خصوص مجازات‌های سخت تا آنجاست که امام (ع) به مجرم، عروض مانعی که موجب ترک یا کاهش مجازات می‌گردد. شادی و فرح خود را به وضوح آشکار می‌سازد و نیز خشم خویش را از اقرار داوطلبانه ایی

که منتهی به اجرای کیفر می‌شود پنهان نمی‌کند این مدارک و دلایل بسیار دیگری که بیانگر رفتار پیشوایان دینی مبنی بر اندیشه کیفرزدایی و عدم تکیه بر نقش کیفر در اصلاح و تربیت فرد و جامعه است!

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- بررسی سیاست کیفری ایران در راستای پیشگیری از جرایم اقتصادی، مرتضی مهدوی قر، مقاله نشریه قانون یار» دوره ۵، شماره ۱۷ (بهار ۱۴۰۰).

- تحلیل کارایی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مرتبط با آب، حمید بهره مند، سینا رستمی، مقاله نشریه مطالعات حقوق انرژی» پاییز و زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲.

- رویکرد سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم میتنی پر نفرت، انصاری اصل محمد، آرزومند بهنام، مقاله کنفرانس کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی ۱۳۹۶.

- سیاست کیفری ایران در زمینه کاهش جرایم مالیاتی مطالعه موردی شهر اهواز، گلدوزیان ایرج، حبیبی حفیظ اله، مقاله کنفرانس همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۱۳۹۴.

- تعامل رسانه‌ها یا سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مواد مخدر ابراهیم عرقانی، نادر مصطفایی، مقاله نشریه قانون یار، سال ۱۳۹۷، شماره قانون یار دوره دوم زمستان ۱۳۹۷ شماره ۸.

- سیاست جنایی ایران در برابر جرایم یقه سفیدی با تاکید بر پیشگیری کیفری، رحیم یاری حاج عطالو، مقاله نشریه مطالعات بین‌المللی پلیس، تابستان ۱۳۹۲ شماره ۱۴.

- سیاست کیفری افتراقی در قلمرو ارکان متشکله جرائم سایبری داود کرمی مقاله نشریه مجلس و راهبرد بهار ۱۳۹۷ شماره ۹۳.

- آیین دادرسی افتراقی ناظر بر جرائم علیه امنیت در سیاست کیفری ایران و فرانسه سید محمود مجیدی، مقاله نشریه دین و ارتباطات» زمستان ۱۳۸۴ شماره ۲۸.

- ارزیابی الگوی کیفری ایران در جرایم جنسی یزدانی یوسفعلی، زاهدیان محمد حسین، مقاله کنفرانس کنفرانس سالانه پژوهش‌های حقوقی و قضایی، ۱۳۹۶، بررسی شماره ۶۷.

- جرایم خرد در حقوق کیفری ایران، نادر، نوروزی، بهروز جوانمرد، مقاله نشریه حقوقی دادگستری، پاییز ۱۳۸۸.

- سیاست کیفری ایران در قیال جرائم سیاسی و مطالعه تطبیقی آن یا نظام حقوقی آمریکا سید حسن شاه چراغ، محمدحسن حسنی، مهدی ذوالفقاری، مقاله نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی دوره ۱۴ شماره ۲۷ (تابستان ۱۴۰۱).

- نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروریستی، حسین میرمحمد صادقی، رشید قدیری بهرام آبادی، مقاله نشریه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۳.

- جایگاه سیاست کیفری تقنینی در پیشگیری از تکرار جرائم سازمان یافته مردان زندی، اکبر، وروایی، مقاله نشریه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، دوره ۱۴، شماره ۴ (زمستان ۱۳۹۸).

- سیاست کیفری و ابعاد پیشگیری از جرایم در حوزه ارزش‌های دیجیتال غزل وراثی، مقاله نشریه قانون یار، دوره ۵، شماره ۱۹ (پاییز ۱۴۰۰).

- سیاست کیفری ایران در چالش یا جرایم منشاء پول شویی جواد صالحی، مقاله نشریه کانون، اسفند ۱۳۸۹ شماره ۱۱۴.

- نقد سیاست کیفری ایران در قیال جرائم زیست محیطی، حسن پوریا قرانی، مرضیه همتی، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۲۳ ۸۷ مجازات‌های منصوص شرعی در فقه و سیاست کیفری ایران انصاری.

- رضا اسدی یاسر؛ سیاست کیفری ایران در راستای جرائم مالی و اقتصادی در نظام حقوق جزایی یار احمدی دکتر حسین؛ خامه ای، سارا.

- سیاست کیفری ایران در مقابل جرائم سایبری، سواد کوهی ماه فرو چکی، صالح؛ اسدی، زهرا.

۳. سیاست‌های حداقلی حقوق کیفری در فقه امامیه

نمونه‌هایی از جلوه‌های اعمال حداقل ساختن قلمرو مداخله حقوق کیفری در فقه اسلام عبارتند از:

۳-۱. توبه

توبه از مهمترین آموزه‌های تربیتی و اخلاقی است که آثار بی‌شماری و پی آمدهای مثبت فراوانی دارد. از جمله این آثار می‌توان به بازیابی شخصیت گناهکار اشاره کرد توبه به معنای بازگشت از گناه و اعمال گذشته و سعی در انجام اعمال صحیح و پسندیده و عدم تکرار جرائم گذشته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰: ۷۶) خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف توبه آورده است توبه عبارت است از پشیمان شدن بر گناه به خاطر گناه بودن آن تصمیم بر ترک بازگشت به آن در آینده زیراترک تصمیم بازگشت به گناه بیانگر پشیمان نبودن از ارتکاب آن است. و نیز در تعریف توبه گفته شده است: «الندم علی معصیه مع عزم ان لايعود اليها اذا قدر عليها». (و برخی دیگر گفته‌اند توبه بازگشت به سوی خداوند است و شرط آن تصمیم بر عدم تکرار گناه در مدت زندگی است» و سه عنصر، ندامت، پشیمانی و اعتذار و عدم برگشت بر گناهان گذشته در مفهوم توبه نهفته است لزوم احراز ندامت و اصلاح متهم که مستلزم عدم اکتفا به ادعای اوست در مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی

۱۳۹۲ نیز تصریح شده است. در واقع انسانی که مرتکب گناهی شده است احساس سرشکستگی می‌کند، اگر متولیان تربیت او را ملامت و تحقیر کنند این احساس برچسب زنی بیشتر می‌شود و اگر ملامت ادامه یابد، در این صورت وجود او برای خانواده و جامعه خطرناک خواهد شد و ممکن است دست به جرائم دیگری بزند. امام علی (ع)، به شرح حدیث التوبه ندم بالقلب واستغفار باللسان وترک بالجوارح و اضماران^۱ "لا یعود توبه را متشکل از ۴ مرحله پشیمانی قلبی استغفار، زبانی ترک معاصی و فسادهای گذشته و تصمیم بر عدم تکرار گناهان و فسادها در آینده میداند. بر این اساس ویژگی‌های اصلی توبه بدین قرار است اولاً توبه عبارت از:

پشیمانی است که فی نفسه نشانه کمال و حسن خلق تلقی می‌شود و جایگاه تحقق آن و قلب است و اگرچه آثار قولی و فعلی دارد تحقق حقیقت آن متوقف بر قول یا عمل نیست. ثانیاً از تحلیل تعاریف یاد شده، به عنصر دومی در مفهوم توبه میرسیم و آن عزم است، عزم که جهت گیری نفس نسبت به ترمیم گذشته و اصلاح آینده، می‌باشد، عمده‌ترین شرط بهره‌وری از توبه است. اگرچه عزم از عناصر گوهرین توبه نیست ولی توبه بدون عزم، سود و بهره مطلوب را در پی نخواهد داشت. بنابراین ادعای توبه بدون عزم گزاف و دروغین است. در توصیف عزم گفته شده است: «پس از آنکه پشیمانی بر دل چیره گشت، حالت دیگری از آن به نام اراده و قصد بر انگیخته می‌شود که به ترک گناه در زمان حال و آینده و قصد جدی جبران کاستی‌های گذشته نظر دارد. منابع دینی مخصوصاً قرآن کریم تلاش می‌کنند که با توبه و اظهار ندامت پنهانی شخصیت گناهکار را بازسازی کنند و او را به حالت اول بلکه بالاتر از آن برگردانند؛ خداوند سبحان در بیان کسانی که مرتکب جرم می‌شوند. می‌فرماید «فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنها ان... کان توابا. رحیماً یعنی و اگر توبه کنند و خود را (اصلاح نمایند و به جبران خسارات گذشته بپردازند (از آنها درگذرید زیرا خداوند توبه پذیر و مهربان است. (نساء، آیه ۱۶) در ضمن اگر توبه واقعی انجام گیرد خداوند علاوه بر نابودی، گناهان آنها را تبدیل به نیکی و حسنات می‌کند. به نظر می‌رسد دلیلی بر منحصر کردن توبه به جرائم حدی نیست و در تمامی جرائم (حدود و تعزیرات) به جز حق الناس، می‌توان توبه مجرم را پذیرفت و به آن ترتیب اثر داد در این زمینه می‌توان به آیه ۳۵ سوره شوری اسناد جست: "هو الذی یقبلُ التَّوبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ یَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ یَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ: او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و بدیها را می‌بخشد و آنچه را انجام می‌دهید میدانند داور بار، ۱۳۸۴: ۱۲۷) با عنایت به اینکه نقش اساسی اجرای مجازات در شرع مقدس اسلام اصلاح بزهکار و درمان او می‌باشد، با اقامه توبه و اظهارات ندامت و پشیمانی اجرای مجازات وی امری عبث و به دور از منطق می‌باشد سقوط مجازات می‌تواند در این زمینه فرصت مناسبی برای بازسازی شخصیت و بازگشت متهم به اجتماع باشد. بدین سان شاهد کاستن بار نظام عدالت کیفری و ایجاد رویه در رسیدگی محاکم می‌باشیم.^۱

۳-۲. عفو

عفو یکی از خصایص ارزشمند اخلاقی است و به معنای گذشتن از گناه و ترک کیفر است و در آموزه‌های اسلامی و آیات و روایات از ائمه معصومین (ع) مورد تأکید فراوان قرار گرفته است امام صادق (ع) در تعریف

عفو می‌فرماید: عفو کردن و از تقصیر گذشتن با وجود قدرت و انتقام طریقه پیامبران و متقیان است و معنی عفو آن است که هرگاه از کسی جرمی و تقصیری نسبت به تو واقع شود پی او نروی و به او اظهار نکنی و از ظاهر و باطن فراموش کنی و احسان را به او زیادتر از پیش کنی امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «رب ذنب مقدار العقوبه علیه اعلام المذنب» یعنی چه بسا جرمی که صرف اعلام و گوشزد کردن آن به مرتکب برای مجازات کردن وی کافی است بر این اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ عفو را یکی از اختیارات رهبری نظام جمهوری اسلامی بر شمرده است. همچنین، مواد ۹۶ تا ۹۸ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان مصوب ۱۳۸۷ از منابع قانونی عفو در حقوق ایران محسوب می‌شوند.^۱

فقه‌های امامیه در کتب فقهی موضوع حدود را مورد عنایت قرار داده و معتقدند چنانچه بزهکار به جرمی از حدود الهی اقرار و پس از اقرار توبه کند امام و حاکم شرع بین اجرای حد و عفو مقرر مخیر و مختار است. عفو اسقاط حق از روی احسان و جود است در حالی که قدرت بر انتقام نیز دارد، فقه‌های امامیه نسبت به اصل جواز عفو از طرف امام نسبت به کسی که مرتکب جرم مستوجب حد شده است اتفاق نظر دارند. گرچه تحمیل رنج بر بزهکار به عنوان بازتاب و اثر فعل مجرمانه اش به صورت یک قاعده کلی بیان شده است. عفو و ترک، مجازات نیک و شایسته‌تر از اعمال کیفر بوده و عفو کننده پاداشی بزرگ نزد خدای عزوجل دارد، گروهی پاداش عفو را کفارهای بر کژی‌های عفو کننده دانسته‌اند؛ چراکه به استناد روایات، خداوند متناسب با عفو بزه دیده گناهان وی را میبخشد بلکه پاداش عفو، نیک پاداش بیحد و مرزی است که به صابران داده می‌شود مقدس اردبیلی ۱۳۰۵ ق (۶۸۱) روایت حرمان از امام محمد باقر که فرمود: «پشیمانی از گذشت (عضو) بهتر و آسان‌تر است تا پشیمانی از کیفر عبد القادر عوده در این زمینه مینویسد از جمله مبادی عام که در شریعت اسلام مقرر گردیده این است که خطای در، عفو بهتر از خطای در مجازات است. مبنای این اصل سخن رسول خدا (ص) است امام اگر در عضو اشتباه کند بهتر است از این که در مجازات خطا کند. معنای این اصل آن است که حکم به مجازات صحیح نیست مگر در صورتی که ارتکاب جرم از سوی بزهکار ثابت شود و نیز ثابت شود که نص تحریم کننده بر جرم منطبق است پس هرگاه در ارتکاب بزه توسط شخص و یا در انتخاب نص تحریم کننده بر فعلی که به متهم نسبت داده می‌شود شک وجود داشته باشد عفو آن شخص یعنی، حکم به برائت او واجب است؛ چون برائت متهم در حالت شک از مجازات برای اجتماع بهتر است و به تحقق عدالت دعوت می‌نماید. مبدأ خطا در عفو بر تمام جرایم منطبق می‌شود، لذا بر جرایم مستوجب حدود، قصاص، دیه و جرایم تعزیری منطبق می‌شود.^۲

۴. سیاست کیفری حدود در قانون مجازات ایران

قانون مجازات هر کشور به عنوان نماد مهمترین ارزش‌های یک کشور از منظر جرم‌انگاری و نشان‌دهنده تمایل آن کشور به نحوه برخورد با مجرمین از نظر کیفرانگاری می‌باشد در قانون‌گذاری صحیح و اصولی قانون

۱. دلماس مارتی میری نظام‌های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه دکتر ابرند آبادی، نشر میزان، ۱۳۹۹، ص ۴۶.

۲. مظلومان، رضا؛ (۱۳۹۷)، جرم‌شناسی؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ص ۴۹.

گذار از بین الگوهای مختلف کیفردهی یک مورد را به عنوان الگوی اصلی پذیرفته و حسب مورد می‌تواند بنا به وجود دلایلی در موارد خاص از این الگو عدول نماید و روی به سوی الگوی دیگر آورد. چالش اصلی این نوشتار یافتن الگوی کیفردهی در زمینه تخفیف مجازات و تشدید کیفر در تکرار جرم در قوانین کیفری پس از انقلاب بود در پاسخ به مسأله اصلی این نوشتار یعنی تحلیل گفتمانی رویکرد کیفردهی قوانین پس از انقلاب در مرحله نخست، الگوهای کیفردهی رایج بیان شد با بررسی‌های به عمل آمده بیان گردید که می‌توان تمامی الگوهای کیفردهی رایج را اکنون در سه دسته‌بندی ارائه نمود^۱.

الگوی کیفردهی معین و نامعین که به اختیار قاضی در تعیین یک بازه به عنوان کیفر و یا یک کیفر مشخص در رأی باز می‌گردد. این اختیار را باید قانون به قاضی اعطا کرده باشد. از سویی الگوی کیفردهی مفروض و اختیاری به تعیین حدود و ثغور تخفیف و تشدید باز می‌گردد که در صورت تعیین میزان دقیق این میزان الگوی مفروض و در صورت آزادی قاضی الگوی کیفردهی اختیاری می‌باشد و در نهایت در الگوی کیفردهی الزامی میزان دقیقی از مجازات در قانون تعیین شده و همان میزان به وسیله دادرس در رأی ذکر می‌گردد و در الگوی کیفردهی غیرالزامی مجازات به صورت کمینه و بیشینه در قانون تعیین گشته و قاضی مقدار مشخصی را در رأی به عنوان کیفر تعیین می‌نماید. سیاست کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تغییرات عمده‌ای نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ دارد و در این قانون قانونگذار با توجه به نیازهای عمومی، کیفری و پیشگیری از جرم و مطابق با موضوع تحقیق در بحث اصل قانونی بودن جرم و مجازات تغییرات گسترده‌ای را ایجاد نموده است.^۲

مطابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این قانون به اعتقاد محقق قانونگذار ضمن نوآوری‌های متعددی مثل افزودن برخی موارد در کتاب حدود، نسخ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۳۹ و حذف مجازات‌های بازدارنده با پیش‌بینی ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی در عمل تغییر سیاست کیفری خود را تکمیل نموده است. در ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار در بحث حدود و جرائم مرتبط با آن اقدام به شناسایی توبه و تاثیر آن بر جرائم تعزیری و حدی نموده است و با قید یک استثناء یعنی جرائم منصوص شرعی زمینه ساز ابهامات متعددی شده است، زیرا برخلاف چارچوب مجازات‌ها در ماده ۱۴ این قانون جرائم منصوص شرعی را در دسته‌بندی مجازات‌های اصلی قرار نداده است و با توجه به اینکه مجازات‌های تبعی و تکمیلی نیز نیازمند برشمرده شدنشان توسط قانونگذار دارد، این موضوعات باعث گردیده است تا با نوع جدیدی از جرم‌انگاری در سیاست کیفری و همچنین مجازات روبرو باشیم. به اعتقاد محقق قانونگذار با پیش‌بینی ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی به دنبال زنده نمودن نوعی مجازات شرعی بوده است، بدون اینکه بخواهد با اجرای این نوع مجازات در سیاست کیفری تغییری ایجاد نماید یعنی نه آن را در دسته‌بندی مجازات‌های اصلی قرار دهد و نه آن را در دسته‌بندی حدود قرار دهد از این باب در دسته‌بندی حدود آن را تصور می‌نمائیم که نوع و ساختار مجازات منصوص شرعی تشابه فراوانی با حدود دارد زیرا در ماده ۱۵ قانون مجازات حد مجازاتی است که موجب نوع میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است تعریف شده و مطابق تعریفی که

۱. پوربافرانی، حسن، (۱۳۹۱) حقوق جزایی بین‌الملل، تهران، جنگل، ص ۳۷.

۲. نوروزی فیروز، رحمت‌الله (۱۳۹۰) حقوق جزای عمومی (مجازات) چاپ اول، نشر میزان، ص ۷۶.

از مجازات منصوص شرعی ارائه دادیم در این نوع مجازات نیز موجب مجازات، نوع و میزان و کیفیت آن توسط ائمه تعیین شده است و این موضوع مورد تعرض فقها قرار نگرفته است.^۱ تفاوت عمده حد و تعزیر منصوص شرعی را نیز در ابتدا باید شارع آن بدانیم که در اینجا ائمه بنا به نظر و مطابق موازین شرعی اقدام به قضاوت در مورد خاص نموده‌اند. و بر همین اساس، موجب نوع و میزان و کیفیت اجرای شرع مقدس، تعیین شده است، تعریف شده و مطابق تعریفی که از مجازات منصوص شرعی ارائه دادیم در این نوع مجازات نیز موجب مجازات نوع و میزان و کیفیت آن توسط ائمه تعیین شده است و این موضوع مورد تعرض فقها قرار نگرفته است تفاوت عمده حد و تعزیر منصوص شرعی را نیز در ابتدا باید شارع آن بدانیم که در اینجا ائمه بنا به نظر و مطابق موازین شرعی اقدام به قضاوت در مورد خاص نموده‌اند. و بر همین اساس، موجب نوع و میزان و کیفیت اجرای آن‌ها نیز مشخص است. محقق با توجه به تحقیقات فوق برای اعتقاد است که اگر بخواهیم بهترین و جامع‌ترین منبع در بین منابع معتبر شرعی را که در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اصل ۱۶۷ قانون اساسی بدان اشاره شده است، مورد شناسایی قرار دهیم تحقیقات مرحوم علامه مجلسی می‌باشد، زیرا در تحقیق بدان به صورت مبسوط اشاره کردیم، تنها این فقیه به تمامی منابع شرعی و چارچوب جرائم منصوص شرعی پرداخته است و موجب، نوع و کیفیت مجازات را نیز بیان نموده است و سایر فقها تنها برخی مصادیق را مورد پذیرش قرار داده‌اند ولی قاضی مطابق علم خود اختیار به پذیرش یا رد این منبع جامع را نیز دارد. و در این صورت با دو رویکرد در سیاست کیفری روبرو هستیم یا نوع و میزان کیفر در دسته‌بندی مجازات‌های منصوص شرعی می‌باشد و قاضی مطابق ماده ۱۱۵ و ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی اقدام به جرم‌انگاری و اعمال مجازات می‌نماید و یا اینکه با توجه به پذیرش اصل قانونی بودن جرم و مجازات در سیاست کیفری و نبودن مجازات مقرر در ارتباط با فعل ارتكابی توسط متهم، قاضی اقدام به صدور حکم برائت می‌نماید.^۳ برخی حقوقدانان بر این باورند با توجه به اختلاف نظرهای فقهی در مصادیق تعزیرات منصوص شرعی، ارجاع قانون به یک نهاد مورد اختلاف، وحدت رویه قضایی را دچار مشکل می‌کند زیرا مشخص نیست قاضی در صدور رای باید به کدام یک از دیدگاه‌های فقهی استناد نماید.^۴

۵. سیاست کیفری ایران در تخفیف مجازات

با عنایت به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که مصوب همچون ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مصادیق کیفیات مخففه را به صراحت بیان نموده است و از طرفی بر خلاف قانون، سابق محاکم را در میزان تخفیف مجازات و چگونگی آن محدود نموده است چراکه وفق این ماده قیودی به عنوان شرایط الزامی تخفیف مجازات پیش‌بینی گردیده، که سابقه تقنینی نداشته است. اینکه مجازات حبس را صرفاً تا سه درجه و تنها به

۱. پیکا، ژرژ، (۱۳۹۲)، جرم‌شناسی، مترجم ع سین نجفی ابرند آبادی، تهران، دانشگاه شهیدبهبشتی، ص ۶۴.

۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۴) لغت نامه دهخدا تهران انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۵.

۳. حسینی نیک، سید حسین؛ (۱۳۹۹)، بحران در سیاست جنایی ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد استاد راهنما: دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ص ۳۳.

۴ - عندلیب، حسین (۱۴۰۱) نقد مبانی فقهی «تعزیرات منصوص شرعی» در قانون مجازات اسلامی، نشریه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۱، خرداد ۱۴۰۱، صفحه ۱۰۱-۱۲۲.

مجازات همان نوع می‌توان تخفیف داد و سایر مجازات‌ها را می‌توان صرفاً تا دو درجه تقلیل داد.^۱ جملگی قیودی است که نشان می‌دهد قانونگذار هم اکنون حتی در نمونه بارز نهاد ارفاقی تعدیل‌کننده مجازات یعنی کیفیات مخففه به دنبال حصول اطمینان از اجرای مجازات حتی در یک شکل خفیف است. بدیهی است رویکرد مبتنی بر اطمینان از اجرای کیفر حتی به خفیف‌ترین شکل آن دیدگاهی منشعب از نظریه تسامح حداقلی و حاصل یک رویکرد امنیت‌گرایانه است. این نظر نگارنده با تدقیق در اینکه مجازات‌های حبس مصادره اموال و انفصال دایم از خدمات دولتی در نصوص جزایی بیشتر برای جرایم مهم کلان و امنیتی در نظر گرفته شده است تقویت می‌گردد. می‌توان، گفت مقنن سال ۱۳۹۲ حتی در بارزترین مصداق نهادهای ارفاقی تعدیل‌کننده، مجازات که همین نهاد تخفیف کیفر، است، خود را به نظریه تسامح صفر و برخورد قطعی با مرتکبین جرایم وفادار معرفی کرده است.^۲

۶. سیاست کیفری ایران در تشدید مجازات

برخلاف توقعاتی که از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قبل از تصویب آن می‌رفت این قانون نسبت به قانون سابق در بحث نهادهای تعدیل‌کننده مجازات به طور کلی و کیفیات مشدده مجازات به طور خاص نه تنها مساعد به حال متهم نبوده است، بلکه متهم را با یک واکنش به مراتب سنگینتر مواجه می‌سازد بر خلاف قانون مجازات اسلامی سابق که مقنن بین جرایم متعدد مشابه و مختلف قایل به تفاوت بود و برای جرایم متعدد مختلف، قاعده جمع مجازات‌ها و برای جرایم متعدد مشابه تشدید کیفر را به اختیار دادگاه گذاشته بود، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین تفکیکی قایل نشده است. مقنن مبنای تشدید مجازات را نه تشابه و تفاوت جرایم بلکه دفعات ارتکاب آن دانسته است بنابراین در صورت ارتکاب جرایم متعدد مشابه به هر تعداد، وفق قانون مجازات سابق، صرفاً تشدید مجازات قانونی، آن هم به صورت اختیاری قابل اجرا بود اما در قانون مجازات اسلامی، کنونی در تعدد جرایم مشابه بیش از سه مرتبه تشدید مجازات بیش از حداکثر مجازات لازم الاجرا است و تنها مجازات مقدر نباید از حداکثر مجازات به اضافه نصف آن تجاوز نماید. از طرفی دیگر حتی در خصوص جرایم متعدد مشابه کمتر از سه مرتبه در صورتی که مجازات جرم فاقد حداقل و حداکثر باشد، تشدید مجازات قانونی تا یک چهارم آن الزامی است همچنین با صراحتی که در ذیل ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی آمده است قانونگذار بر آن بوده که از برخورداری محکوم از نهادهای تعدیل‌کننده ارفاقی تا حد امکان جلوگیری نماید. این ماده قضات را ملزم نموده، برای هر یک از جرایم متعدد مشابه یا مختلف، مجازات علی‌حدهای تعیین نماید تا در صورت برخورداری محکوم از نهادهایی چون، تخفیف تبدیل یا تعلیق کیفر به هر دلیل مجازات اشد بعدی قابل اجرا باشد.^۳ بنابراین چنانچه قبلاً فردی مرتکب چهار فقره سرقت تعزیری می‌گردید، وفق قانون مجازات سابق فقط یک مجازات برای وی تعیین می‌گردید و تعدد جرم در این مورد تنها به محاکم اختیار تشدید کیفر را میداد اما در فرض، مساله منطبق با قانون مجازات اسلامی کنونی، از یک سو

۱. زراعت، عباس، (۱۳۹۲) شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات القنوس، ص ۴۳.

۲. سواد کوهی ماهفرو جکی، صالح؛ اسدی، زهرا؛ ۱۳۹۳، سیاست کیفری ایران در مقابل جرائم سایبری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، ص ۸۴.

۳. دهقان، حمید. (۱۳۹۳)، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزائی اسلام، قم، انتشارات مدین، ص ۳۷.

تعیین کیفر به بیش از حداکثر مجازات قانونی بزه سرقت، تعزیری به شرطی که میزان تشدید از نصف مجازات مقرر فراتر نرود الزامی است. از سوی دیگر با چهار بار حکم به کیفر بیش از حداکثر مقرر، قانونی با این قید که میزان تشدید از نصف مجازات مقرر فراتر نرود، در صورتیکه یکی از شکات اعلام رضایت کند و دادگاه مجازات آن بزه خاص را تقلیل دهد، این مجازات تقلیل یافته اجرا نخواهد شد و مجازات تشدید یافته بعدی برای وی لازم الاجراست. نگارنده باز هم بر این باور است که قانونگذار در ماده ۱۳۴ صراحتاً از رویکرد تسامح صفر در قبال مرتکبین جرایم متعدد پیروی نموده است.^۱

برای قبول این واقعیت، تبصره ۱ ماده ۱۳۴ شاهد دیگری است چراکه، مقنن تعدد نتایج را برخلاف مقررات، سابق یکی از صور تعدد بزه و در حکم تعدد مادی دانسته است همین که، قانونگذار به اسباب تشدید کیفر، مورد جدیدی اضافه نموده این خود نشان دهنده رویکردی است که به شدت مجازاتها باور دارد. در واقع مقنن مرتکبین جرایم را ملزم کرده است با تدبیر و آینده نگری پیشاپیش تشخیص بدهند از ارتکاب فعل واحد، ایشان چند نتیجه مجرمانه ممکن است به بار بنشینند و اینگونه میزان مجازات احتمالی خویش را حدس بزنند سوال مهمی که قابل طرح است اینکه آیا می توان ترتب نتایج متعدد مجرمانه از فعل واحد، که بعضاً قهری و خارج از اراده مرتکب است را، مبنای درستی برای تشدید مجازات آن هم به صورت اجباری دانست.^۲

در مرحله دوم با بررسی مقررات ناظر به تخفیف کیفر و تشدید کیفر در تکرار در دو برهه پیش و پس از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مشخص گردید که به دلیل رویکرد غالب فقهی در دهه نخست انقلاب و به رغم چالش هایی که بین مجلس که رویکرد عرفی گرایانه تری به قوانین داشت و شورای نگهبان که رویکرد شرعی داشت، قانون راجع به مجازات اسلامی با غلبه رویکرد فقهی تصویب گردید و در آن از الگوی کیفردهی غیرالزامی و اختیاری پیروی شد دلیل این امر را می توان قوت اندیشه های فقهی حاکم در مرحله پس از انقلاب اسلامی و عدم قوت نسبی اندیشه های عرفی در این برهه دانست. لذا در قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به پیروی از فقه شیعی قاضی دارای اختیارات بسیار وسیعی برای مثال در تخفیف بوده و می توانست ده سال حبس را به یک ضربه شلاق و یا جزای نقدی به هر میزان تبدیل نماید. الگوی کیفردهی غیرالزامی و اختیاری تا دهه ۱۳۸۰ الگوی غالب کیفردهی ایران بود.^۳

لیکن در این بازه زمانی در قوانین ثابت در زمینه تخفیف هم قانون گذار جمهوری اسلامی ایران دو الگو را به عنوان استثنائی پذیرفته است که عبارتند از الگوی کیفردهی مفروض و الزامی لیکن پذیرش این دو الگو در مواردی صورت گرفته است که ضرورت برخورد شدید با جرم و یا مجرمین در نظر مقنن وجود داشته است مانند قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور تشدید مجازات، ارتشا اختلاس و کلاهبرداری و قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ در دهه ۱۳۸۰ به دلیل تغییراتی که در بدنه اجتماعی و دانشگاهی صورت گرفت، زمینه به طور بسیار آرام به سمت تعیین میزان دقیقتر مجازات در راستای اعمال

۱. تعامل رسانه ها با سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مواد مخدر، ابراهیم عرفانی، نادر مصطفایی، مقاله نشریه قانون یار، سال ۱۳۹۷، شماره قانون یار دوره دوم زمستان ۱۳۹۷ شماره ۸، ص ۵۷.

۲. انصاری، محمد و طاهری محمد علی (۱۳۹۹) دانشنامه حقوق خصوصی، جلد سوم، تهران، انتشارات جنگل، ص ۶۷.

۳. انصاری، رضا، ۱۳۹۹، سیاست کیفری ایران در راستای جرائم مالی و اقتصادی در نظام حقوق جزایی، یار احمدی، دکتر حسین؛ خامه ای، سارا؛ پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، ص ۳۲.

اصل قانونی بودن کیفر رفت در این دهه لوایحی تهیه شد که در آن از الگوی کیفردهی غیرالزامی مفروض پیروی می‌شد در نهایت قانون مجازات اسلامی که حاصل تغییرات آرام دهه گذشته بود در سال ۱۳۹۲ تصویب شد که در آن تغییر کاملاً فاحشی از الگوی کیفردهی اختیاری به سمت الگوی کیفردهی مفروض صورت گرفت. این تغییرات را به طور عمده می‌توان ناشی از قرائت‌های جدید در فقه و توفیق اندیشه‌های عرفی بر رویکرد سنتی فقهی دانست که بر پایه تغییرات اندیشه‌های دهه ۱۳۸۰ ایجاد شد. در این رویکرد میزان دقیقی برای تخفیف تعیین شده است. در این دوره نیز قانون گذار در دو مقرر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از الگوی کیفردهی الزامی پیروی نمود و تعیین مجازات بدون امکان تخفیف را پیش‌بینی کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد قانونگذار ایران پس از حدود سه دهه قانون‌گذاری در برهه فعلی به ثباتی از الگوی کیفردهی در زمینه تخفیف دست یافته است و می‌تواند بر مبنای الگوی کیفردهی مفروض برای ایجاد یکپارچگی قانون مجازات پیش رود. البته عدول از این الگو در موارد استثنا نیز ممکن بوده و در حدی که باعث شکاف در الگوی عام، نشود در موارد خاص مناسب است. در زمینه تشدید در تکرار نیز نوعی تشدد در سه دهه نخست ملاحظه می‌شد. به گونه‌ای که الگوی اصلی مذکور در قوانین مجازات اسلامی الگوی کیفردهی اختیاری بود لیکن تمامی قوانین خاص در آن دوره از الگوی کیفردهی مفروض پیروی می‌کردند. پس از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجدداً قانون گذار نوعی یکپارچه سازی و یکسان سازی سیاست کیفری را نمایان ساخت و الگوی کیفردهی مفروض را به عنوان الگوی اصلی انتخاب نمود این سبب شد تعارض بین دو دسته الگوی کیفردهی که بین قوانین خاص و قوانین مجازات اسلامی تا پیش از سال ۱۳۹۲ وجود داشت از بین برود.^۱

۷. سیاست کیفری ایران در تبدیل مجازات

در این باره باید به چند موضوع اشاره کرد. اولاً اینکه، مقنن به صراحت امکان تجمیع دو نهاد تعدیل کننده مجازات یعنی تبدیل و تخفیف کیفر را در صورت یکسان بودن جهت منتفی دانسته است. ثانیاً، مجازات انفصال دایم را تنها قابل تبدیل به انفصال موقت پنج تا پانزده سال قرار داده است. ثالثاً مجازات مصادره اموال را صرفاً قابل تبدیل به جزای نقدی درجه یک تا چهار می‌داند.^۲

رابعاً؛ در خصوص تبدیل سایر مجازات‌ها به جز مجازات‌های معنونه فوق قائل به محدودیت امکان تبدیل یا تخفیف یک تا دو درج‌های شده است. با توجه به اینکه هیچ یک از محدودیت‌های پنج مذکور در ماده ۲۲ قانون مجازات سابق پیش‌بینی نشده بوده است به نظر نگارنده، مقنن با آوردن قیود متعدد در بحث تبدیل مجازات‌ها بر خلاف قانون، سابق ضمن اینکه نظر به تحدید اختیارات محاکم، داشته معتقد به اصالت کیفر و لزوم برخورد حتمی کیفری با مجرمین بوده است. این گفته با عدم پیش‌بینی امکان تبدیل کیفر به اقدامات تأمینی و تربیتی در ماده ۳۷، قوت می‌یابد. مقنن گویا برای مجازات‌های، حبس مصادره اموال و انفصال دایم

۱. سیاست جنایی ایران در برابر جرایم یقه سفیدی (با تاکید بر پیشگیری کیفری)، رحیم یاری حاج عطالو، مقاله نشریه مطالعات بین‌المللی پلیس، تابستان ۱۳۹۲ شماره ۱۴، ص ۵۳.

۲. لازرژ کرسستین، (۲۰۲۰) درآمدی به سیاست جنایی ترجمه، دکتر علی حسین نجفی ایرآباندی، انتشارات میزان، ص ۳۱۲.

آنچنان اصلاتی گانه، قایل بوده است که یا آنها را غیرقابل تبدیل قلمداد نموده و یا تحت شرایطی، صرفاً قابل تبدیل به همان نوع مجازات یا کیفر هم سنخش دانسته است و محدودیتها مذکور در خصوص این نهاد ارفاقی تعدیل کننده مبین رویکرد مبتنی بر تسامح و تساهل حداقلی قانونگذار و دیدگاه امنیت محورانه ایشان است. سیاست کیفری امنیت محور با اصلاتی که برای واکنش‌های کیفری شدید قایل است سعی دارد تا حد امکان متهمین را از نهادهای ارفاقی تعدیل کننده مجازات محروم سازد و این تلاش قانونگذار با بررسی تطبیقی ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با ماده ۲۲ قانون، سابق به روشنی قابل مشاهده است.^۱

۸. سیاست کیفری ایران در تعدیل مجازات

نمونه نخست اینکه با عنایت به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که مصوب همچون ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مصادیق کیفیات مخففه را به صراحت بیان نموده است و از طرفی بر خلاف قانون، سابق محاکم را در میزان تخفیف مجازات و چگونگی آن محدود نموده است چراکه وفق این ماده قیودی به عنوان شرایط الزامی تخفیف مجازات پیش‌بینی گردیده، که سابقه تقنینی نداشته است. اینکه مجازات حبس را صرفاً تا سه درجه و تنها به مجازات همان نوع می‌توان تخفیف داد و سایر مجازاتها را می‌توان صرفاً تا دو درجه تقلیل داد. جملگی قیودی است که نشان می‌دهد قانونگذار هم اکنون حتی در نمونه بارز نهاد ارفاقی تعدیل کننده مجازات یعنی کیفیات مخففه به دنبال حصول اطمینان از اجرای مجازات حتی در یک شکل خفیف است. بدیهی است رویکرد مبتنی بر اطمینان از اجرای کیفر حتی به خفیف‌ترین شکل آن دیدگاهی منشعب از نظریه تسامح حداقلی و حاصل یک رویکرد امنیت‌گرایانه است. این نظر نگارنده با تدقیق در اینکه مجازات‌های حبس مصادره اموال و انفصال دایم از خدمات دولتی در نصوص جزایی بیشتر برای جرایم مهم کلان و امنیتی در نظر گرفته شده است تقویت می‌گردد. می‌توان، گفت مقنن سال ۱۳۹۲ حتی در بارزترین مصداق نهادهای ارفاقی تعدیل کننده، مجازات که همین نهاد تخفیف کیفر، است، خود را به نظریه تسامح صفر و برخورد قطعی با مرتکبین جرایم وفادار معرفی کرده است.^۲

نتیجه‌گیری

فقه امامیه در پرتو اجتهاد مستمر فقهای آگاه به شرایط زمان و مکان و بهره مندی از عقلانیت و مصلحت، قابلیت پویایی و توان پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه را دارد. اعتقاد عملی به تلازم حکم شرع و حکم، عقل تأکید بر قدر مشترک‌هایی که بین مفهوم عقلانیت در حوزه معارف دینی و علوم بشری وجود دارد به انضمام لحاظ مصلحت جامعه و حکومت، اسلامی ما را به بازنگری در سوءظن تاریخی نسبت به کارایی عقل مصلحت و توجه بیشتر به آن‌ها رهنمون می‌سازد. و از لحاظ سیاسی توجه توأمان به مصالح فرد و جامعه، التزام به عقلانیت و رعایت مصلحت، موجب اجتماع آحاد مردم حول محور قانون گردیده همبستگی ملی را به ارمغان خواهد آورد. نقش دولت در ایجاد و تضمین قواعد حقوقی، نقشی اساسی است در جامعه ایرانی که منشأ و

۱. الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۲) درآمدی بر حقوق جزای عمومی، نشر میزان، ص ۳۱۰.

۲. کریمی، حسین (۱۳۹۴) موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی: حاوی جدیدترین استفتائات در زمینه مسائل قضایی، تهران، شکوری، ص ۷۵.

مبنای حقوق توأمان شرع و قانون است ضروری است که حقوق صرف نظر از خاستگاه و مأخذ، آن با تحولات اجتماعی و خواست عمومی همراه و سازگار باشد برقراری تعامل مثبت و سازنده بین مقررات حقوقی و تحولات اجتماعی، وظیفه حاکمیت است. برای نمونه از جمله موضوعات تهدید کننده امنیت قضایی شهروندان در مرحله قانونگذاری تخطی از اصل «شخصی خلاف بودن مسئولیت جزایی و مجازات کسی است که در رخداد مجرمانه مداخله‌ای نداشته است. حتی اگر دیه را بر صراحت قانون مجازات اسلامی فاقد صبغه کیفری و غرامت صرف بدانیم، مسئولیت عاقله برای پرداخت این غرامت برخلاف اصل و در تهافت با آموزه‌های عقلی ناظر به «حسن عدل و قبح ظلم» است.^۱

تردید نیست که در یک تجزیه و تحلیل تاریخی، ضمان عاقله مسئولیت بستگان، ذکور، عاقل بالغ و غیرمعسر برای پرداخت دیه جنایات خطای محض ریشه در شرایط خاص شبه جزیره عربستان در صدر اسلام داشته است. شرایط زمانی و مکانی که در، آن غلقه قومی و قبیل‌های و بستگی‌های فامیلی پررنگترین و شناخته شده‌ترین علقه‌ها محسوب بود اما در زمان حاضر که تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژی و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی علقه‌های مذکور رنگ باخته است اصرار بر مسؤول بودن عاقله برای پرداخت دیه را عقل سلیم بر نمی‌تابد. رعایت اصل قرآنی شخصی بودن مسئولیت جزایی مقتضی آن است که هیچ گناه کاری بار گناه دیگری را به دوش نکشد از سوی دیگر مسئولیت عاقله در تهافت آشکار با قانون اساسی و الزامات مندرج در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. ارتباط دو فاکتور اصلی قانونگذاری جزایی، یعنی عقلانیت و مصلحت با امنیت قضایی چنان وثیق و عمیق است که به جرأت می‌توان عدم توجه به خرد ورزی و مصلحت سنجی در وضع قانون در تمام سطوح، قانونی سیاسی و علمی را تهدید کننده امنیت قضایی شهروندان محسوب کرد.^۲

نکته مهمی که در باب مجازات منصوص شرعی باید بیان نمود این است که قانونگذار از لفظ تعزیرات منصوص شرعی استفاده نموده است که نه می‌توانیم مجازات‌های منصوص شرعی را در قالب تعزیرات حکومتی دسته‌بندی کنیم نه اینکه این مجازات‌ها را مشمول حدود و اختیارات قانونی در باب تعلیق یا تخفیف مجازات‌های تعزیری بدانیم. زیرا در سیاست کیفری ایران مجازات تعزیری توسط قانونگذار اینگونه تعریف شده است تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف تعلیق سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود، اما تعزیرات منصوص شرعی توسط قانونگذار نه قابل تعیین است و نه قابل تخفیف و نه توبه در باب آن‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرد، در واقع با رجوع به ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی در عمل ملاحظه می‌گردد رویکرد قانونگذار تفکیک این نوع مجازات از سایر مجازات‌های اصلی و تبعی است و حتی در باب پذیرش توبه در برخی جرائم حدی، قانونگذار اصل را بر عدم پذیرش این موارد در تعزیر منصوص شرعی قرار داده است. در واقع قانونگذار در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تعزیر را اعم از تعزیرات شرعی و حکومتی دانسته و هر جا از قانون ذکری از تعزیر به میان آورده منظور مجموع تعزیرات شرعی و حکومتی بوده است. بنابراین مقررات تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق

^۱Castillo, Teresa Fajardo de, Juan Fuentes Osorio, Inmaculada Ramos Tapia and Jesus Verdu Baeza (2015).

^۲ نوروزی فیروز، رحمت الله (۱۳۹۰) حقوق جزای عمومی (مجازات) چاپ اول، نشر میزان، ص ۲۳.

اجرای مجازات و مرور زمان که در مجازات‌های تعزیری قابل اعمال است مجموع تعزیرات شرعی و حکومتی را در بر می‌گیرد اما قانونگذار با وضع تبصره ۲ ماده ۱۱۵ از همین قانون و بکارگیری عنوان "تعزیرات منصوص شرعی اعمال برخی مقررات قانونی را درباره این دسته از تعزیرات منتفی دانسته است. نکتهای در اینجا محقق باید بدان اشاره دارد این است که اگر تعزیرات منصوص شرعی را همان تعزیرات شرعی بدانیم و ذکر کلمه منصوص را زائد تلقی کنیم در این صورت نتیجه‌ای که حاصل می‌گردد این است که قانونگذاری که ابتدا تعزیر را اعم از تعزیرات شرعی و حکومتی دانسته و مقررات تعریقی صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات و... را نسبت به جرایم تعزیری به صورت مطلق قابل اعمال دانسته است به یکباره در ادامه تعزیرات شرعی را از شمول این مقررات خارج می‌نماید؟! در حالی که چنین اقدام عجیبی از جانب قانونگذار فهیم بعید به نظر می‌رسد، زیرا قانونگذار می‌توانست به راحتی همانند قانونگذار سال ۷۰ تعزیرات حکومتی یا شرعی را تحت عنوان مستقلی در کنار جرایم دیگر معرفی نموده و احکام و مقررات مستقلی را برای این دسته جرایم وضع نماید به نظر می‌رسد قانونگذار با قید کلمه "منصوص" بعد از کلمه تعزیرات در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی به صورت کاملاً عالمانه و آگاهانه در تفکیک تعزیرات شرعی بوده و بدین صورت تعزیرات پی منصوص شرعی را از تعزیرات شرعی مشخص نموده است. زیرا تعزیرات منصوص شرعی دارای موجب، نوع و میزان مجازات متفاوتی با تعزیرات شرعی هستند و اگر به سیاست کیفری ایران بنگریم در بسیاری از موارد تعزیرات شرعی مترادف با حدود می‌باشد ولی همانگونه که بیان گردید تعزیرات منصوص شرعی متفاوت با حدود می‌باشند.^۱

مهمترین نقص وارد در باب تعزیرات منصوص شرعی که قانونگذار نتوانسته است بدان پاسخی جامع دهد، این است که قانونگذار با شناسایی برخی موارد جرائم منصوص شرعی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ در عمل تعیین ننموده است که در این موارد قاضی دارای چه اختیار یا محدودیتی است زیرا در تحقیق مصادیق متعدد و کامل تعزیرات منصوص شرعی بیان گردید و برخی از آنها که امروزه به شکل مواد قانونی در آمده‌اند، بیان گردید به عنوان مثال جرم به همسری درآوردن کنیز باوجود همسر مسلمان است که اساساً چنین جرمی در ایران امروز، موضوعیت ندارد چراکه کنیز وجود خارجی ندارد. جرم دارد می‌قرار گرفتن زن و مرد عریان زیر یک پوشش از مصادیق ماده ۶۳۷ بخش تعزیرات است که مقرر «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد...» قرار گرفتن دو مرد زیر یک پوشش که تا پیش از این با خلا قانونی مواجه بود در قانون جدید مشمول ماده ۲۳۷ قرار می‌گیرد که مقرر می‌دارد: «همجنسگرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیذ از قبیل تقبیل و ملامه از روی شهرت موجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش است». قذف مسلمان توسط شخص نصرانی نیز که تنها توسط یک نفر از فقها به عنوان تعزیر منصوص شناخته شده است با توجه به اطلاقات و عمومات موجود در مواد ۲۴۵ به بعد قانون مجازات اسلامی قابلیت مجازات را دارد. ذکر عنوانی مبهم که واگذار کردن شناخت مصادیق به افراد و محاکم، تنها سردرگمی سیستم قضایی را

۱. حسینی نیک، سید حسین؛ (۱۳۹۹)، بحران در سیاست جنایی ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد استاد راهنما: دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

در پی خواهد داشت. زیرا نه می‌توان آن‌ها را با رجوع به منابع شرعی که در قالب تعزیرات منصوص شرعی آمده‌اند نادیده گرفت و نه در قالب تعزیرات یا حدود از قید تعزیرات منصوص شرعی خارج بدانیم بنظر می‌رسد در این موارد باید سیاست کیفری را مدنظر قرارداد و بین مواردی که در مواد قانون مجازات اسلامی برای آن‌ها جرم‌انگاری شده و در دسته تعزیرات و حدود قرار گرفته‌اند و مواردی که در منابع شرعی جای دارند، تفکیک قائل شد که این امر هم با سیاست کیفری ایران در باب اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تفسیر به نفع متهم در تضاد است، زیرا چارچوب و اصل مورد پذیرش در تعزیرات منصوص شرعی این است که این مجازات‌ها قابل تغییر نمی‌باشد، توبه در آن‌ها بی‌اثر است و قاضی باید به موجب، میزان و نوع و حالت خاص متهم یا متهمین نیز توجه کافی نماید.

منابع

۱. اختری سجاد ناظمی‌اردکانی، مهدی، (۱۳۹۷) نقش راهبردهای نظارتی در سیاست کیفری ایران فصلنامه نظارت و بازرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، سال ۱۳۹۷ ش.
۲. اردبیلی، محمد علی (۱۴۰۰) حقوق جزای عمومی جلد سوم چاپ سوم، انتشارات جنگل.
۳. بابا نسب، بابک (۱۳۹۴) سیاست کیفری قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در قبال تشدید کیفر پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم دانشکده حقوق
۴. حسینی، سید محمد و حیدری، علی مراد (۱۳۹۰) تأثیر خویشاوندی در جرم، زنا، نشریه حقوق، شماره ۲۴. رحیمی حمید (۱۳۹۵) رویکردهای سیاست جنایی ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در چارچوب حمایت از بزه دیده پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم
۵. آربلاستر، آنتونی ۱۳۹۱ ش، لیبرالیسم غرب؛ ظهور و سقوط، ترجمه عباس مخبر، چ ۵، تهران، نی
۶. ای لنگ، زکلین، ۱۳۹۳ ش، قانون، لیبرالیسم و خیر مشترک، بررسی مسئله خود آیینی لیبرال مدرن و چالش‌های آن ترجمه سید محمدجواد سیدی، سوره‌اندیشه، ش ۷۴ و ۷۵
۷. باریه موریس ۱۳۹۲ ش مدرنیته سیاسی ترجمه عبدالوهاب احمدی، ۳ تهران، آگه.
۸. حرانی، یوسف ابن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵ ق، الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهره، ترجمه محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۹. برلین، آیزایا ۱۳۶۸ ش، چهار مقاله درباره آزادی ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱،
۱۰. تهران شرکت سهامی انتشارت خوارزمی‌بوردو، بورژوا، ۱۳۷۸ ش، لیبرالیسم ترجمه عبدالوهاب احمدی، ج ۱، تهران، نی. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳ ش، تفسیر موضوعی قرآن کریم: توحید در قرآن، ج ۱، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۱. رهامی، محسن (۱۳۸۵) زمینه‌های عدالت‌ترمیمی در حقوق کیفری ایران مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی شماره ۷۴. زراعت، عباس (۱۴۰۰) حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، تهران نشر میزان.
۱۲. طاهری نسب، سید یزد الله (۱۳۸۱) تعدد و تکرار جرم در حقوق جزاء چاپ اول، انتشارات دانشور.
۱۳. فرح بخش، مجتبی (۱۳۸۱) مبانی مشروعیت مجازات پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران گلدوزیان، ایرج و احمدزاده ابوالفضل (۱۳۸۸) بررسی تعریف جرم محاربه و افساد

فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی نشریه، حقوق، دوره ۳۹، شماره ۱

۱۴. گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۴) سیاست جنایی، قضایی تهران: انتشارات سلسبیل
۱۵. مارتی، میری دلماس (۱۳۷۶) از حقوق جزا تا سیاست جنایی برگردان دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، نامه مفید، شماره ۲۲.

۱۶. نوبهار، رضا (۱۳۹۰) زمینه حقوق جزای عمومی چاپ، ۲۹، انتشارات گنج دانش.

۱۷. نوروزی فیروز، رحمت الله (۱۳۹۰) حقوق جزای عمومی (مجازات) چاپ اول، نشر میزان.

۱۸. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران جلد اول اصول و مبانی کلی، نظام)، تهران: نشر تهران

۱۹. لازرژ کریستین؛ (۲۰۱۸)، سیاست جنایی؛ ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی انتشارات یلدا، چاپ اول.

۲۰. حسینی نیک، سید حسین؛ (۱۳۹۹)، بحران در سیاست جنایی ایران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد استاد راهنما: دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

۲۱. لواسور، ژرژ؛ سیاست جنایی؛ (۱۴۰۰)، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۲، ۱۱.

۲۲. نوربها دکتر رضا؛ (۱۳۹۹)، زمینه حقوق جزای عمومی؛ نشر کانون وکلا.

۲۳. مظلومان، رضا؛ (۱۳۹۷)، جرم شناسی؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۲۴. آنسل، مارک؛ (۲۰۱۱)، دفاع اجتماعی؛ ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر راهنما، چاپ اول.

۲۵. دلماس مارتی میری نظام‌های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه دکتر ابرند آبادی، نشر میزان، ۱۳۸۱

۲۶. گسن، ریموند؛ (۲۰۱۹)، بحران سیاست جنایی کشورهای غربی؛ ترجمه دکتر علی حسین ابرند آبادی مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰.

۲۷. فرجی‌ها محمد؛ (۲۰۱۶)، نقش قوه قضائیه در پیشگیری جرم؛ پایان نامه کارشناسی ارشد گزارش حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

۲۸. الف - آل کجباف، حسین (۱۳۹۰) حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه

۲۹. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶) حقوق جزایی عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان

۳۰. الوانی مهدی و شریف زاده، فتاح، (۱۴۰۰)، فرآیند خط مشی گذاری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی

۳۱. الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۲) درآمدی بر حقوق جزای عمومی، نشر میزان

۳۲. انصاری، محمد و طاهری محمد علی (۱۳۹۹) دانشنامه حقوق خصوصی، جلد سوم، تهران، انتشارات جنگل

۳۳. انوری، حسن، (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۲، نشر سخن، تهران.

۳۴. سیالزاده، زهره (۱۳۸۳) حقوق بین‌الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان تهران، نشر مردم سالاری

۳۵. پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان تهران پژوهشکده شورای نگهبان
۳۶. پوربافرانی، حسن، (۱۳۹۱) حقوق جزایی بین‌الملل، تهران، جنگل.
۳۷. پیکا، ژرژ، (۱۳۹۲)، جرم‌شناسی، مترجم ع سین نجفی ابرند آبادی، تهران، دانشگاه شهیدبهبشتی
۳۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰) ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش
۳۹. دلماس مارتی، میری (۱۳۸۷) نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه نجفی ایرندآبادی، علی حسین تهران، نشر میزان
۴۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۴) لغت نامه دهخدا تهران انتشارات دانشگاه تهران
۴۱. دهقان، حمید. (۱۳۹۳)، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزائی اسلام، قم، انتشارات مدین
۴۲. زراعت، عباس، (۱۳۹۲) شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات القنوس
۴۳. کریمی، حسین (۱۳۹۴) موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی: حاوی جدیدترین استفتائات در زمینه مسائل قضایی، تهران، شکوری
۴۴. کینیا مهدی (۱۳۹۵)، علوم جنایی، تهران، دانشگاه تهران
۴۵. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۴) بایسته‌های حقوق جزا، عمومی، تهران، انتشارات میزان
۴۶. لازرژ کرسستین، (۲۰۲۰) درآمدی به سیاست جنایی ترجمه، دکتر علی حسین نجفی ایرآبادی، انتشارات میزان.
۴۷. محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۱) قواعد فقه بخش جزایی، مرکز نشر علوم اسلامی
۴۸. رویکرد سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم مبتنی بر نفرت، انصاری اصل محمد، آرزومند بهنام، مقاله کنفرانس کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی ۱۳۹۶ -
۴۹. سیاست کیفری ایران در زمینه کاهش جرایم مالیاتی (مطالعه موردی شهر اهواز)، گلدوزیان ایرج، حبیبی حفیظ اله ، مقاله کنفرانس همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۱۳۹۴.
۵۰. تعامل رسانه‌ها با سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مواد مخدر، ابراهیم عرفانی، نادر مصطفایی، مقاله نشریه قانون یار ، سال ۱۳۹۷، شماره قانون یار دوره دوم زمستان ۱۳۹۷ شماره ۸
۵۱. سیاست جنایی ایران در برابر جرایم یقه سفیدی (با تأکید بر پیشگیری کیفری)، رحیم یاری حاج عطالو ، مقاله نشریه مطالعات بین‌المللی پلیس، تابستان ۱۳۹۲ شماره ۱۴.
۵۲. سیاست کیفری افتراقی در قلمرو ارکان متشکله جرائم سایبری، داود کرمی، مقاله نشریه مجلس و راهبرد بهار ۱۳۹۷ شماره ۹۳.
۵۳. انصاری، رضا، ۱۳۹۹، سیاست کیفری ایران در راستای جرائم مالی و اقتصادی در نظام حقوق جزایی، یار احمدی، دکتر حسین؛ خامه ای، سارا؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق.
۵۴. سواد کوهی ماهفرو جکی، صالح؛ اسدی، زهرا؛ ۱۳۹۳، سیاست کیفری ایران در مقابل جرائم سایبری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق.

۵۵. عندلیب، حسین (۱۴۰۱) نقد مبانی فقهی «تعزیرات منصوص شرعی» در قانون مجازات اسلامی، نشریه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۱، خرداد ۱۴۰۱، صفحه ۱۰۱-۱۲۲.
۵۶. Bethell, Emma (2009). "Environmental Regulation: Effective or Deeffective?", Plymouth Law Review, No. 1.
۵۷. Castillo, Teresa Fajardo de, Juan Fuentes Osorio, Inmaculada Ramos Tapia and Jesus Verdu Baeza (2015).